

رابطه کلیسای کاتولیک با یهودیان

بازخوانی یک سند تاریخی با عنوان:

«ما به یاد می آوریم؛ تأملاتی در هولوکاست»

* نویسنده: عزالدین عنایه

چکیده:

سند تاریخی «ما به یاد می آوریم؛ تأملاتی در هولوکاست» ترجمه یکی از برجسته ترین متون کلیسای کاتولیک و مربوط به یهودیان در تاریخ معاصر می باشد. این سند، مرجع و لاهوتی است که بیانگر مواضع و دیدگاه‌های کلیسای کاتولیک در قرن بیست و یکم است. در این سند، اصول کاتولیکی مشهود بوده و چه در زمینه گفتگوهای جاری با یهودیان و چه در حوزه مواضع کلیسا، الهام گرفته از ابعاد و مضامین کاتولیکی است. سند یادشده توسط کمیته روابط دینی با یهودیان به ریاست کاردینال ادوارد ادویس کاسیدی در واتیکان تنظیم شده و سندی رسمی و مرجع می باشد

سند تاریخی «ما به یاد می آوریم؛ تأملاتی در هولوکاست» ترجمه یکی از برجسته ترین متون کلیسای کاتولیک و مربوط به یهودیان در تاریخ معاصر می باشد. این سند، مرجع و لاهوتی است که بیانگر مواضع و دیدگاه‌های کلیسای کاتولیک در قرن بیست و یکم است. در این سند اصول کاتولیکی مشهود بوده و چه در زمینه گفتگوهای جاری با یهودیان و چه در حوزه مواضع کلیسا، الهام گرفته از ابعاد و مضامین کاتولیکی است. سند یادشده که توسط کمیته روابط دینی با یهودیان به ریاست کاردینال ادوارد ادیس کاسیدی در واتیکان تنظیم شده سندی رسمی و مرجع می باشد. از همین رو، بحث و جدل بر سر این سند در داخل کلیسا ادامه دارد. به ویژه این که در دوره های بعدی آثار فرهنگی و دینی بر این سند مترتب می شود.

این سند با پیشگفتار «کاسیدی» آغاز می شود. وی این گونه می نگارد:

در دوره مأموریت خود به عنوان پاپ و در مناسبت های گوناگون، به شکنجه هایی که ملت یهود در جنگ دوم جهانی به خود دیده اند پی برده و بر این فاجعه آگاه شده ام. زیرا این جنایت که از آن به هولوکاست یاد می شود، لکه بزرگی بر تاریخ قرن بیستم می باشد.

کلیسا به خوبی درک می کند که عیدپنجاهی^۱ در اساس، یک شادی و خوشحالی است که بر پایه درگذشتن از خطاها و اشتباهات و آشتی با پروردگار و نزدیکان بنیان گذاری شده است. به همین دلیل، اکنون که در آستانه هزاره سوم میلادی قرار گرفته

^۱ عید یهودیان.

ایم، کلیسا از پیروان خود می خواهد با توبه از اشتباهات و انواع نیرنگ هایی که در گذشته مرتکب شده اند، دلهای خود را از همه شائبه ها پیراسته کرده و با خشوع در پیشگاه ربّ بایستند و در میان موجی از شرور که زمانه را فراگرفته، مسئولیت‌های خویش را بازشناسند.

امید راستین دارم که سند «ما به یاد می آوریم؛ تأملاتی در هولوکاست» که توسط کمیته روابط دینی با یهود تهیه و با اشراف آنها انجام شده، بر زخم اختلافات و ستم‌های گذشته مرهم نهد. این سند برای انجام وظایف خود از «حافظه تاریخی» کمک و یاری می گیرد تا آینده ای بسازد که واقعه ستم‌گرانه هولوکاست جایگاهی نداشته باشد. قدرت پروردگار جهانیان یاور تلاش های کاتولیک و یهودیان و تمامی زنان و مردان خوش نیت باشد تا دست به دست هم جهانی بسازیم که در آن، احترام به حیات و کرامت هر انسان اصالت داشته باشد، چراکه همه بر اساس شبه و صورت خداوند خلق شده اند.

واتیکان

۱۲مارس ۱۹۸۸

۱. فاجعه هولوکاست و ضرورت های حافظه تاریخی

این تأمل مربوط به یکی از مهمترین زمینه هاست که کاتولیک می تواند با ثبات کامل به ندای یوحنا پولس دوم گوش جان بسپارد. وی در پیام روحانی خود (**Tertio millennio adveniente**) می گوید: «با افول هزاره دوم، شایسته است که کلیسا با هوشیاری از گناهان پیروان خود که در تاریخ ذکر شده و نیز از تمامی شرایطی که در آن از روح مسیح و انجیل دور شده اند، آگاه شود و علاوه بر ایجاد حیاتی الهام گرفته از ارزش‌های ایمانی، با نوعی اندیشه و رفتار مخالف با این حیات مبارزه نماید.» (۱)

تاریخ قرن بیستم شاهد فاجعه ای هولناک بوده که فراموش کردن آن بسیار دشوار است؛ یعنی اقدام رژیم نازی به کشتار میلیونی ملت یهود که شامل مرد و زن، پیر و کودک و جوان بود. این جنایت تنها به دلیل تبار یهودی آنان انجام شد و بر همین اساس، کوچانیدن و تعقیب یهودیان عملی شد. به همین دلیل، برخی از آنان فوراً کشته شدند و گروهی نیز به زیر شکنجه رفتند و انواع خواری و زبونی را تحمل کردند و کرامت انسانی آنان از میان رفت تا این که نابود شدند. گروه باقی مانده نیز در طول حیات خود با ترس و وحشت زیستند. به این ترتیب، هولوکاست، یکی از فاجعه آمیزترین رویداد تاریخ، واقع شد.

تجسم این کشتار هولناک برای سران کشورها و نیز خود گروه‌های یهودی بسیار دشوار است، چراکه هیچ کس نمی‌تواند در قبال این کشتار بی تفاوت باشد. رابطه کلیسا با قوم یهود با روابط موجود میان دیگر ادیان متفاوت است (۲). موضوع تنها بازگشت به گذشته نیست، چراکه آینده مشترک یهودیان و مسیحیان بر ما واجب می‌کند که گذشته را بازخوانی کنیم، چون « بدون حافظه تاریخی، آینده وجود ندارد» (۳) و تاریخ، خود حافظه آینده است.

با توجه به این تأملات که برای خواهران و برادران کلیسای کاتولیک در جای جای مناطق جهان، بیان شد، از تمامی مسیحیان می‌خواهیم ما را در بررسی دقیق فاجعه ای که ملت یهود دچارش شدند، یاری کنند. از همه مسیحیان می‌خواهیم وظایف خود را بشناسند تا نگذارند خودخواهی و کینه به اندازه ای برسد که شکنجه و مرگ را به دنبال داشته باشد (۴). به طور مشخص، از دوستان یهودی خود می‌خواهیم «در وضعیت وحشتناکی که نماد گمراهی شده و تنها با مخالفت انسان با مشیت خداوند رخ می‌دهد، (۵)» دل‌های خود را جلا داده و به ما گوش دل بسپارند.

۲. چه چیز را باید به یاد آوریم؟

ملت یهود در مدت شهادت بی نظیر خود به قداست اسرائیل و تورات، در زمان‌ها و مناطق مختلف، انواع شکنجه‌ها و بی‌مهری‌ها را به خود دیده است، اما هولوکاست فاجعه ای بود که به حق از همه آنها شدیدتر بود. واژگان نمی‌توانند شیوه‌های غیر انسانی را که در قرن بیستم بر ضد یهودیان به کار گرفته شد، بیان کنند.

با توجه به بزرگی این جنایت، چند پرسش مطرح گردیده است. مورخان و فلاسفه، سیاست‌مداران، روان‌شناسان و لاهوتی‌ها را به بررسی عمق این واقعه واداشته است. هرچند مطالعات تخصصی باید به اتمام برسند، اما واقعه‌ای این چنینی را نمی‌توان با اصول و استانداردهای رایج پژوهش‌های تاریخی سنجید، چراکه این امر به ویژه میان مسیحیان نیازمند «حافظه دینی و اخلاقی» و تفکر جدی در عوامل آن می‌باشد، زیرا نقطه وقوع این جنایت، اروپا یعنی در قاره ای است که کشورهای آن تمدن اصیل مسیحی دارند. به همین دلیل، پرسشی درباره رابطه میان ستم‌گری نازی‌ها و مواضع مسیحیت در قرون گذشته در قبال یهودیان مطرح می‌گردد.

۳. رابطه یهودیان و مسیحیان

تاریخ روابط میان یهودیان و مسیحیان تاریخی پر از رنج و ستم است. یوحنا پولس دوم در پیام‌های تکراری خود خطاب به کاتولیک، بازخوانی مواضع مسیحیت در قبال ملت یهود را خواستار شده است (۶). به هر حال، برآیند روابط میان مسیحیان و یهودیان در دو هزاره گذشته منفی بوده است (۷).

از ظهور مسیحیت، میان اولین کلیسای مسیحی با رهبران یهود و قوم عبری اختلافاتی بروز کرد؛ به طوری که گاه این امر موجب بروز اقدامات خشونت آمیز بر ضد مسیحیان صدر مسیحیت و مبشران مسیحی می شد. در دوران امپراتوری رم - که بت پرست بود - یهودیان به دلیل امتیازاتی که امپراتور برایشان قائل شد، از حمایت قانون برخوردار بودند. در ابتدا مقامات امپراتوری رم میان گروه‌های یهودی و مسیحی تبعیض قائل می شدند، اما در وهله بعد، مسیحیان با ستم حکومت بر ضد آنان روبه‌رو شدند. هنگامی که امپراتورهای رم به مسیحیت گرویدند، باز تضمین امتیاز برای یهودیان ادامه یافت، اما غلو کنندگان مسیحی به معابد بت پرستی (بتکده) حمله کردند و از برخی تأویل‌های انحرافی عهد جدید که به طور اجمال در مورد ملت یهود بود، غافل نشدند: «در جهان مسیحیت - نمی گویم از سوی کلیسا - تأویل انحرافی و نادرست از عهد جدید بروز کرد که در مورد ملت یهود و گناه ادعایی آنان بود. این تأویل انحرافی در مدتی طولانی باعث بر جای ماندن ستیز و خصومت با این ملت شد (۸)». شایان ذکر است که چنین تأویل‌هایی از عهد جدید با شکل‌گیری مجمع دوم واتیکان به طور کلی از بین رفت (۹).

با وجود این که مسیحیت به محبت به همگان دعوت می‌کند، اما در طول قرن‌های گذشته و در اغلب موارد، سیاست رایج مبنی بر آزار اقلیت‌ها به عنوان «غیار» ادامه یافت. احساس نفرت به یهودیان در برخی محافل مسیحی بیانگر تضادهای موجود میان کلیسا و ملت یهود می باشد. این احساس‌ها که به تبعیض عمومی سوق داده شد، گاه در قالب کوچانیدن و گاه در اقدامات نصرانی کردن اجباری در گستره بزرگی از جهان مسیحیت اعمال شد و تا قرن هجدهم میلادی ادامه یافت؛ به طوری که غیر مسیحی‌ها از قانونی که از آنان حمایت کند، محروم ماندند. با این حال، یهودیان به طور پراکنده در جای جای جهان مسیحیت به سنت‌های دینی و آداب و رسوم ویژه خود پای‌بند ماندند و این امر شباهت و تردید‌هایی را بر می‌انگیزد، چراکه در در دوران‌های محنت، مانند خشک‌سالی و جنگ و یا شیوع بیماری‌های همه‌گیر، یا تنش‌های اجتماعی اقلیت یهود در بیشتر موارد قربانی بوده و در معرض چپاول و غارت و کشتار قرار گرفته‌اند.

با پایان قرن هجدهم میلادی و آغاز قرن نوزدهم، در اکثر کشورها میان یهودیان و دیگران، نوعی مساوات برقرار شد، حتی برخی از آنان در جامعه از جایگاهی ممتاز برخوردار شدند. اما در خلال این سیاق تاریخی و به ویژه در قرن نوزدهم، یهودیان قومیتی منفور و نومید بودند. در شرایط تحولات سریع اجتماعی در بیشتر موارد، یهودیان با توجه به شمار آنها، به اقداماتی برای اثر گذاری متفاوت متهم شدند. همین امر موجب شد انزجار از یهودیان در سطوح مختلفی در اروپا گسترش یابد. این انزجار و نفرت بیش از آن که بعد دینی داشته باشد، بعد اجتماعی - سیاسی دارد.

در همین زمانی، نظریه های مختلفی مطرح شد که وجود وحدت در نوع انسان را انکار می کرد و بر تفاوت جنس بشریت تأکید داشت. در قرن بیستم، قومیت سوسیالیست در آلمان، برخی از این افکار را به کار گرفت و به آنها به عنوان قواعد علمی استناد نمود. بر اساس همین قواعد، میان اقوام آریایی با دیگر اقوام پست تر از آریایی تفاوت قائل شد. علاوه بر این، از زمان شکست ۱۹۱۸ نوعی تندروی قومی در آلمان شکل گرفت. عامل این پدیده، شرایط تحقیر آمیزی بود که طرف پیروز میدان بر حریف خود تحمیل کرد؛ به طوری که باعث شد بسیاری راه حل مشکلات سرزمین خود را قومیت سوسیالیستی دانستند، به همین دلیل این جنبش را یاری کردند.

کلیسا در آلمان به این امر واکنش نشان داد و آن را به دلیل داشتن رویکرد نژادپرستانه محکوم کرد. این برای نخستین بار در خطبه های برخی از علمای دین و آموزه های کلی اسقف های کاتولیک و نیز نوشته های روزنامه نگاران با رویکردهای کاتولیکی آشکار شد. در فوریه ۱۹۳۱ کاردینال برترام دی برسلاوی و ولهاپر و نیز اسقف های باواری، اسقف های منطقه کولونی و اسقف های منطقه وریبورگ همگی اقدام به انتشار پیام های روحانی کردند و در آن، مفاهیم قومیت سوسیالیستی شرک آلود در خصوص نژاد و حکومت را محکوم کردند. (۱۰) در همین سال، قومیت سوسیالیستی آلمان قدرت را به دست گرفت. در سال ۱۹۳۳ کاردینال ولهاپر در پیام مشهورش «آونتو» به طور قاطع با سامی ستیزی نازیها مخالفت کرد. (۱۱) در این اظهار مخالفت، نه تنها کاتولیکها، بلکه پروتستان و یهودیان نیز مشارکت داشتند. به دنبال آن، برنار لشتنبرگ، رهبر کلیسای جامع برلین، دعاهای همگانی برای یهودیان را به راه انداخت.

علاوه بر این، پاپ بیوس یازدهم. در سال ۱۹۳۷ در پیامی (**Mit Brennder**) (**Sorge**) (۱۲) که در کلیساهای آلمان در یکی از یکشنبه های این سال قرائت شد، با نژادپرستی نازی ها قاطعانه مخالفت کرد. هم چنین روز مصائب حضرت مسیح با ابتکار روحانیت مسیحی همزمان شد که این اقدام، آنان را مجبور به تحمل هزینه حملات و تحریم و بی مهری ها نمود. در روز ششم سپتامبر ۱۹۳۸ پاپ در سخنانی خطاب به گروهی از زائران بلژیکی اظهار داشت: «سامی ستیزی امری مردود است. چون از لحاظ معنوی همه ما سامی هستیم.» (۱۳) بیوس دوازدهم در اولین پیام خود به عنوان پاپ (**Summi Pontificatus**) (۱۴) به تاریخ بیستم اکتبر ۱۹۳۹ در مورد نظریه هایی که وجود وحدت نوع بشری را زیر سوال می برند، هشدار داد. آشکار شده که هرآنچه را که وی پیش گویی کرده بود، به «لحظات تاریک» واقعی منجر شد. (۱۵)

۴. سامی ستیزی نازی ها و هولوکاست

تناقض موجود میان سامی ستیزی-که بر نظریه های مخالف با آموزه های ثابت کلیسا در خصوص وحدت نوع بشری و مساوات میان همه بشر بنا نهاده شده- با احساس ترس و دشمنی در قرون گذشته را نمی توان انکار کرد، که ما از آن به یهودستیزی یاد می کنیم و باید با تأسف فراوان گفت که مسیحی ها آن را مرتکب شدند. ایدئولوژی قومیت سوسیالیستی در مخالفت با هرگونه حقیقت متعالی و یا هر منشأ حیات و معیار اخلاقی پیشگام بود. در نتیجه مفهوم حکومت در مجموعه ای از بشر تجلی یافت که آنان به عنوان ارزش مطلق قلمداد شدند و مقرر گردید وجود ذاتی ملت یهود که فراخوانده شده تا به خداوند واحد و شریعت عهدین گواهی دهد، از میان برود. در سطح لاهوتی نیز نمی توان از یاد برد، کسانی که به اندیشه توجه خداوند به بشر اعتراض کردند، تنها گروهی اندک از نازی ها و نیز گروهی بودند که از خداوند بیزارى جستند. به همین ترتیب، موضعی مشابه حاکم شد که خواستار مخالفت با مسیحیت و علاقه مند به تخریب دیدگاه کلیسا و یا دست کم خواستار همسو شدن کلیسا با منافع رژیم نازی بود.

این ایدئولوژی افراطی الهام بخش انجام یک سلسله اقداماتی بود که در نخستین مرحله به دنبال کنارزدن نقش یهودیان بود، تا این که بتواند در نهایت آنان را نابود سازد. بنابر این، هولوکاست اقدام رژیمی نادر بود که انسان های پلید بت پرست بر آن حکمرانی کرده و ریشه سامی ستیزی آنان خارج از باور مسیحیت می باشد. این گروه در رسیدن به اهداف خود از مبارزه با کلیسا و وارد کردن ظلم و ستم به پیروان کلیسا دست نشستند.

نازی‌ها که بر یهودیان ستم روا داشتند، با احکامی ضد یهودی مواجه شدند که پیش از این در عقل و دل برخی مسیحی‌ها وجود داشت. بنابر این جای طرح این پرسش است که مگر نه این است که احساس انزجار از یهودیان موجب شد مسیحی‌ها نسبت به ستم‌هایی که قومیت سوسیالیستی به هنگام روی کار آمدن، بر ضد یهودیان مرتکب شدند، سست‌ترین احساس را داشته باشند، تا جایی که بی تفاوت شدند؟

شایسته است که یافتن پاسخ این پرسش مورد اهتمام ویژه قرار گیرد، زیرا این رویداد- که مربوط به تاریخ، دیدگاه‌ها و مواضع مردمی است که ما درصدد پرداختن به آنها می‌باشیم، - متأثر از عواملی چند می‌باشد. علاوه بر این، بسیاری، راه حل‌نهایی را که بر ضد یک ملت اتخاذ می‌شود، نادیده می‌گیرند. وگرنه ترس از جان خود و دوست‌دارانشان بر آنان سایه می‌افکند. هم‌چنین برخی، از این وضع حاکم سوء استفاده کرده و گروهی دیگر نیز با انگیزه حسادت، تحرکاتی داشتند. برای پاسخ به این پرسش باید یکایک این موارد و انگیزه افراد در هر مورد و حالت مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

در آغاز، فرماندهان هیتلر تلاش کردند آلمان را از یهودیان خالی کنند. با کمال تأسف باید گفت که مواضع دولت‌های برخی کشورهای غربی که میراث مسیحی داشتند، از جمله برخی از کشورهای شمال و جنوب آمریکا در خصوص گشودن مرزهای کشورشان به سوی یهودیان ستم‌دیده دچار تردید بودند. هرچند این کشورها نمی‌توانستند اهداف ظالمانه و جنایتکارانه نازی‌ها را پیشگویی کنند، اما سران برخی از این کشورها از دشواری‌ها و خطراتی که یهودیان را تهدید می‌کرد، آگاهی داشتند. به ویژه کشورهایی که در خاک رایخ سوم حضور داشتند. در این شرایط، بستن مرزها در برابر مهاجرت یهودیان- به هر دلیلی، چه کوتاه بودن افق سیاسی، چه خودخواهی قومی و چه خوار کردن- بار سنگینی را بر وجدان‌های حکومت‌های یادشده خواهد گذاشت.

در سرزمین‌هایی که نازی‌ها اقدام به کوچاندن اجباری و دسته‌جمعی یهودیان کردند، درگیری‌هایی با انسان‌های بی‌پناه رخ داد. آیا مسیحی‌ها برای یاری ستم‌دیدگان به ویژه یهودیان، هر کمکی را که می‌توانستند ارائه کردند؟

در واقع، بسیاری چنین کردند، اما دیگران نیز در این مسأله سستی کردند. کسانی که به نجات یهودیان کمک کردند و حتی جان خود را به خطر انداختند، نباید فراموش

شوند. در اثنای این جنگ و پس از آن، گروه‌ها و شخصیت‌های یهودی از کسانی که دست یاری به سوی آنان دراز کردند، سپاس‌گزاری کردند. مانند اقدامات بیوس دوازدهم که شخصاً و یا توسط نمایندگان‌شان انجام داد و جان صدها هزار یهودی را نجات داد. به همین دلیل، اسقف‌ها، کشیش‌ها، علمای دین و حتی سکولارهای بسیاری از سوی حکومت اسرائیل مورد تمجید قرار گرفتند.

پاپ، یوحنا پولس دوم، علاوه بر این‌که از زنان و مردان غیور در این رابطه قدردانی کرد، معتقد بود که مبارزه معنوی و اقدامات عملی دیگر مسیحیان در اندازه شایسته نبود و کمتر از آن چیزی بود که از پیروان مسیح انتظار بود. به دست آوردن شمار مسیحیانی که در کشورهای اشغال شده و یا تحت حاکمیت نازی‌ها، یا در کشورهای هم‌پیمان با آنها که مصیبت‌های همسایگان یهودی خود را تقبیح کردند و یا به این اقدامات اعتراض کردند، ممکن نیست. با این حال، باید وجدان مسیحیان در قبال برادران و خواهران خود در جنگ دوم جهانی، توبه نماید. (۱۶)

ما به اقدامات پیروان کلیسا و اشتباهات و گناهان آنها عمیقاً تأسف می‌خوریم و گفته‌های مجمع دوم واتیکان در اظهارات صریح «*nostra aetate*» را سرلوحه خود قرار می‌دهیم که می‌گوید: «کلیسا... به میراثی که به یهودیان توجه دارد، ارج می‌نهد. کلیسا نه از روی انگیزه سیاسی، بلکه به دلیل دغدغه‌های دینی انجیلی به ستم‌ها و بی‌مهری‌ها و نیز مظاهر سامی ستیزی بر ضد یهودیان در هر زمان و از سوی هر کس که رخ داده، به شدت اظهار تأسف می‌کند (۱۷)».

بار دیگر گفته پاپ یوحنا پولس دوم را یادآوری می‌کنیم که وی خطاب به یهودیان استراسبورگ در سال ۱۹۸۸ گفت: «بار دیگر هر نوع سامی ستیزی و نژاد پرستی مخالف مبانی مسیحیت را به شدت محکوم می‌کند.» (۱۸)

در این اثنا، کلیسای کاتولیک انواع ظلم و ستم بر ضد ملت یا یک گروه بشری را- در هر نقطه و هر زمانی که بروز کند- محکوم می‌نماید. کلیسای کاتولیک به ضرس قاطع با هر نوع اقدام نابودسازی مخالف است؛ هم‌چنان‌که ایدئولوژی و مبانی نازی را محکوم می‌کند. با نگاهی به قرن بیستم با کمال تأسف، ظلم‌ها و ستم‌هایی را به یاد می‌آوریم که بر ضد یکایک افراد یک ملت و یا یک گروه اعمال شده است. به طور مشخص کشتار ارمنی‌ها و قربانیان اکرائینی در دهه سی ام این قرن را که شمارش آنان ممکن نیست و هم‌چنین کشتار غجرها را که ناشی از اندیشه‌های نژادپرستانه است، به یاد می‌آوریم. هم‌چنین با نگاهی به قرن گذشته میلادی با فجایعی روبه‌رو می‌شویم که در امریکا، آفریقا و بالکان رخ داد. البته نباید فراموش کرد که در شوروی سابق، چین، کامبوج و ... ،

میلیون ها انسان قربانی ایدئولوژی های شمول گرا شدند. هم چنین اقدامات دلخراش و دراماتیکی که در خاور میانه بروز نمود و همگان از پیامدهای آن آگاهند، به یاد می آوریم. ما باز این تأملات را مطرح می کنیم که «هنوز انسان های بسیاری، قربانی هم نوعان خویش می باشند.» (۱۹)

۵. همگی به آینده مشترک بنگریم

با نگاه به افق های روابط یهودیان با مسیحیان در وهله اول از برادران و خواهران کاتولیک می خواهیم در ریشه های اعتقادی یهودیت دوباره نیک بنگرند. هم چنین از همه می خواهیم به یاد داشته باشند که حضرت عیسی [علیه السلام] از تبار داود است و حضرت مریم و اولین شاگردان نیز از سلاله ملت یهود می باشند. کلیسا نیز در این شجره طیبه زیتون ریشه دارد که شاخه های درخت زیتون اغبار از آن تغذیه شده اند. (۲۰). یهودیان نیز برادران عزیز و دوستان ما هستند و به یک معنا، آنان به حق «برادران بزرگ ما» می باشند. (۲۱)

کلیسای کاتولیک در مورد از دست رفتن فرزندانش در دوره های مختلف ابراز تأسف شدید و از آن توبه می کند، چون ما به عنوان فرزندان کلیسا در گناهان و حسنات سهیم هستیم. کلیسا به عملیات کشتاری که ملت یهود در اثنای جنگ دوم جهانی دچار آن شده، با ترس و بیم می نگرد. این نه یک لفاظی، بلکه التزام جدی کلیسا است که «از کشتار دوباره قربانیان بیمناکیم، چراکه از شوق به عدالت می بینیم همگی به اندازه توان خود به آن پای بند می باشند، تا مانند وضعیتی که بر سر میلیون ها تن از اعضای ملت یهود رخ داد، شرّ دوباره بر خیر غلبه نکند... چون بشریت اجازه نخواهد داد، گذشته بار دیگر تکرار شود.» (۲۲)

دعا می کنیم که رنج های ملت یهود به پایه گذاری روابط جدید با آنان بینجامد. امیدواریم اشتباهات گذشته را با آگاهی و التزام ثابت جبران کنیم تا آینده ای جدید را بنا نهیم که در آن احساس انزجار دو طرفه میان یهودیان و مسیحیان وجود نداشته باشد و میان هر دو، آن گونه که شایسته پرستش گران خداوند خالق واحد می باشد، احترام مشترکی برقرار باشد و همه در پایه گذاری ایمان واحد که سرچشمه آن، حضرت ابراهیم باشد، مشارکت کنند.

در پایان، همه انسان های خوش نیت-زن و مرد- را به تأمل عمیق و ژرف در معنای هولوکاست دعوت می کنیم، چراکه مردگان این واقعه در قبر و نجات یافتگان آن نیز با شهادت خود از آنچه دیده‌اند، فریادی بلند متوجه همه بشریت نموده و آنان را به هوشیاری و بیداری دعوت می کنند. یادآوری این فاجعه هولناک شایسته توجه است تا بذرهای خبیث انزجار از یهود و سامی ستیزی خشکانده شود و در قلب بشریت هیچ جایی نداشته باشند.

منابع:

۱. Giovanni Paolo II, Lett. Ap. Terzio millennio adveniente (۱۰ novembre ۱۹۹۴), ۲۵ (۱۹۹۵), AAS ۸۷: ۳۳.
۲. یوحنا پولس دوم: سخنرانی به مناسبت دیدار با اقلیت یهودی مقیم رم، ۱۳ آوریل ۱۹۸۶، ۱۹۸۶، ۱۱۲۰، AAS ۷۸ (۱۹۸۶).
۳. Giovanni Paolo II, Angelus dell'۱۱ giugno ۱۹۹۵: Insegnamenti ۱۸۱، ۱۹۹۵.
۴. یوحنا پولس دوم، سخنرانی به مناسبت دیدار با اقلیت یهودی مقیم بوداپست (۱۸ اگوست ۱۹۹۱)، ۱۴۲، Insegnamenti ۱۹۹۱، ۳۴۹.
۵. Giovanni Paolo II, Lett. Enc. Centesimus annus (۱ maggio ۱۹۹۱)، ۱۷: AAS ۸۳ (۱۹۹۱)، ۸۱۴-۸۱۵.
۶. یوحنا پولس دوم: سخنرانی خطاب به نمایندگان کنفرانس اسقفان برای برقراری رابطه با یهود (۶ مارس ۱۹۸۲) Insegnamenti ۵۱، ۱۹۸۲، ۷۴۳-۷۴۷.
۷. کمیته کرسی رسول برای دیدار با یهود، نکاتی در خصوص پرداختن صحیح به یهود و یهودیت در سخنرانی ها و آموزه های کلیسای کاتولیک (۲۴ ژوئن ۱۹۸۵) ۱۹۶۶، ۹، Enc. Vat. ۱: VI.
۸. یوحنا پولس دوم: پیام بریا شرکت کنندگان در همایش پژوهشگران «ریشه های نفرت یهود در محافل مسیحی» (۳۱ اکتبر ۱۹۹۷)، ۶، L'osservatore Romano, ۱ Novemmbre ۱۹۹۷, p.
۹. Cfr Nostra Aetate, ۴.
۱۰. Cfr B. Statiewski, Akten deutscher Bisch fe über die Lage der Kirche, ۱۹۳۳-۱۹۳۴. (Mainz ۱۹۶۸), Appendix ۱۹۴۵, vol. I.
۱۱. Cfr L. Volk, Der Bayerische Episcopat und der Nationalsozialismus ۱۹۳۰-۱۹۳۴. (Mainz ۱۹۶۶), pp. ۱۷۰-۱۷۴.
۱۲. ۱۴ مارس ۱۹۳۷، ۱۶۷-۱۶۵، AAS (۱۹۳۷).
۱۳. La Documentation Catholique, ۲۹ (۱۹۳۸) col. ۱۴۶۰.
۱۴. AAS ۳۱ (۱۹۳۹)، ۴۱۳-۴۵۳.
۱۵. Ibid., ۴۴۹.

۱۶. سازمان ها و شخصیت های مختلف یهودیان، حکمت دیپلماتیک پاپ بیوس دوازدهم را رسماً اعلام کردند. به عنوان مثال روز پنجمین هفتم نوامبر ۱۹۴۵، جوزپی ناتان، ناظر اتحادیه اقلیت های اسرائیلی مقیم ایتالیا تصریح کرد: «در آغاز تشکر خالصانه خود را از روحانیت کلیسا، اعم از علمای دین و راهبانی که راهنمایی های پاپ را دنبال می کنند، ابراز می نمایم. آتانی که تحت

تعقیب قرار گرفتگان را برادر خود دانستند و با دلسوزی و اراده برای نجات جان ما کوشیدند و به خطرات بزرگی که تهدیدشان می کرد، بی اعتنا بودند.» (۲ p. ۱۹۴۵, **L'Osservatore Romano**, ۸ septembre ۱۹۴۵) در بیست و یکم همین ماه بیوس دوازدهم در نشست خصوصی با دکتر الیوکوبویتسکی، دبیر کل کنفرانس جهانی یهود گفت: «به دلیل خدماتی که کلیسای کاتولیک در اثنای جنگ دوم جهانی، به منافع ملت یهود در جای جای اروپا نموده به نمایندگی از اقلیت های اسرائیلی، تشکر فراوان خود را از پاپ ابراز می دارم. (۱ p. ۱۹۴۵, **L'Osservatore Romano**, ۲۳ septembre ۱۹۴۵). در پنجشنبه بیست و نهم نوامبر ۱۹۴۵ پاپ با نزدیک به هشتاد نماینده مهاجران یهودی که از اردوگاههای نابودسازی آلمان اعزام شده بودند، دیدار کرد. آنان «نسبت به سخاوت پاپ نسبت به مهاجران در اثنای دوران وحشتناک نازی های فاشیست از مقام مقدس پاپ کمال تشکر و قدردانی را ابراز نمودند.» (۳۰ novembre ۱۹۴۵, **L'Osservatore Romano**, ۱ p. ۱۹۴۵, septembre). در سال ۱۹۵۸ با وفات

پاپ بیوس دوازدهم گولدا مایر پیامی صادر کرد که در آن آمده بود: «ما نیز در غم بشریت سهم هستیم... هنگامی که شرایط دهشتناک بر ملت ما تحمیل شد، صدای پاپ بلند شد و از قربانیان ما دفاع کرد. زندگی در عصر ما صدایی از صداهای اخلاق دوستانه را به خود دید که به طور صریح بر فتنه نزاع های روزانه غلبه کرد. ما برای خادم جلیل القدر صلح می گیریم.»

۱۷. یوحنا پولس دوم: سخنرانی به مناسبت تسلیم استوارنامه سفیر جدید آلمان فدرال (هشتم نوامبر ۱۹۹۰)، (۱۹۹۱) ۸۳ AAS ۵۸۸-۵۸۷.

N. ۴. ۱۸

۱۹. ۱۱۳۴, N. ۸: ۱۹۸۸, **Insegnamenti** ۱۱۳

۲۰. یوحنا پولس دوم: سخنرانی برای اعضای دستگاه دیپلماسی (۱۵ ژانویه ۱۹۹۴)، ۸۱۶، (۱۹۹۴) ۸۶, AAS

۲۱. یوحنا پولس دوم: سخنرانی به مناسبت دیدار با اقلیت یهودی مقیم رم، ۱۳ آوریل ۱۹۸۶، ۱۱۲۰، (۱۹۸۶) ۷۸۴, AAS

۲۲. یوحنا پولس دوم: سخنرانی به مناسبت سالروز هولوکاست (۱۷ آوریل ۱۹۹۴) ۸۹۷، ۱۹۹۴، ۱۷۱، ۳, **Insegnamenti** ۸۹۳e

۱۴۲۹/۱۰/۲۳ هـ ۲۰۰۸/۱۰/۲۲ م